

## اختلاف به روایت عبدالله مهتدی

همانطور که گفتم "تخطئه انقلاب" به دو اختلاف اصلی میان رفیق مهتدی با ما اشاره میکند. اول، "ارزیابی از تحولات کردستان عراق بدنبال تمام شدن جنگ خلیج و شیوه برخورد ما به آن" است. و دوم "نقص موضع دفتر سیاسی در جنگ خلیج" که در آن باید "به رژیم عراق هم برخورد میشد". این روایت رفیق مهتدی از اختلاف اصلی اش با ما است.

### یک تصویر وارونه

طرح این اختلاف با جار و جنجال زیادی در مورد طفره رفتن ما از برخورد به آن همراه است. از ابتدا تا انتهای نوشته بارها با جملاتی نظیر اینها روبرو میشویم:

"یکی از نکات آزار دهنده در این جزوه (یعنی جزوه من) گریز از طرح و بحث موضوع مورد اختلاف یعنی اینست که..."

"این گریز از وارد شدن به اصل موضوع در سرتاسر جزوه خود را نشان میدهد"  
"بجای پرداختن به اصل موضوع مورد اختلاف به آسمان و ریسمان چنگ انداخته میشود"  
"بحث فقط بر سر رنج و آوارگی میلیونی نیست، اینکه موضوع مورد اختلافی را تشکیل نمیدهد"

"اما موضوع مورد اختلاف مصائب و آوارگی نیست، ماهیت خیزش توده‌ها و روش برخورد ما به آن است"

"این مساله پرده استتار و یا بهتر بگویم گرد و خاکی است که توجه را از مساله اصلی و اختلاف اصلی ... منحرف میکند"

در کنار این اشارات مکرر به "موضوع مورد اختلاف" و "طفره رفتن" من از بحث درباره آنها، ما یک تکیه کلام دیگر را هم شاهدیم و آن "گفته‌ام"ها و "گفته‌ام و نوشته‌ام"ها و "میگویم و مینویسم"های متعددی است که مقاله را انباشته است. مجموع اینها یک تصویر وارونه از فضای بحث و عملکرد طرفین بدست میدهد. کسی که کمی دورتر ایستاده باشد تصور میکند که مباحثات مفصلی قبلا صورت گرفته که طی آن رفیق عبدالله مهتدی بارها اختلافات خود با دفتر سیاسی را تبیین و مدون کرده است و من یا دفتر سیاسی تن به بحث درباره آنها نداده‌ایم. اینجا دیگر اردوی خیر دارد برای خود اساطیر میسازد. سابقه‌ای از مجاهدت‌های سیاسی و نظری در مقابل من یا دفتر سیاسی از هیچ تراشیده میشود. چنین مجاهدت‌هایی وجود خارجی نداشته‌اند.

خواننده جزوه قبلی من بسادگی متوجه میشود که چگونه آنجا ضمن توضیح اختلاف خودم با نوشته‌های رفیق مهتدی، که رفیق در آنها کوچکترین اشاره صریحی به اختلاف با من یا دفتر سیاسی نکرده است، عینا همین دو موضوع را بعنوان بیان پوشیده و بدون صراحت اختلاف رفیق مهتدی با دفتر سیاسی از زیر بحث "جنبش توده‌ها لکه دار نشود" و "فضای رادیو تغییر کند" کمابیش کشف کرده‌ام. و از جمله بهمین دلیل از رفیق محمد شافعی کارت زرد گرفته‌ام که چرا "امتداد فکر" رفیق مهتدی را نقد کرده‌ام. امروز معلوم شده که آن افکار همان امتدادها را داشته‌اند. "تخطئه انقلاب" اولین نوشته‌ای است که در آن رفیق مهتدی از اختلاف با دفتر سیاسی در مورد موضوعات فوق سخن گفته است. حال من بجای اینکه بابت شم سیاسی و مهارت در علائم شناسی و خواندن میان سطور آفرین بشنوم (که البته مهارتی است که هرکس مثل من در

کلنجر روزمره با متدولوژی "سکوت امروز یعنی طلبکاری فردا" بوده باشد دو هفته ای کسب میکند) با اتهام طفره رفتن از بحث حول اختلاف اصلی ایشان با خودم روبرو می‌شوم. در کل پوشه "نوشته‌ام" های رفیق مهتدی فقط همین دو پاراگراف دو پهلو را در مورد اختلاف با دفتر سیاسی پیدا می‌کنیم.

اما در پرونده "گفته‌ام" ها هم چیز زیادی پیدا نمی‌کنیم. کسی سمینار و سخنرانی‌ای که در آن اختلافی با د.س و من در مورد هریک از دو موضوع فوق ذکر شده باشد بیاد نمی‌آورد. در مورد مساله اول، یعنی برخورد با تحولات کردستان عراق، فقط جلسه کوتاه توضیح قطعنامه اول ایشان به د.س و رفقا حمید تقوایی و ناصر جاوید را داریم که در نوشته قبلی به آن اشاره کردم. در آن جلسه این موضوع بعنوان موضوع یک اختلاف اصلی میان ایشان و دفتر سیاسی یا من عنوان نشد و کلا جلسه حالت بقیه مواردی را داشت که ملاحظاتی در مورد یک نوشته مطرح می‌شود به این امید که نویسنده برای مثال آنها را در متن اصلاح شده‌ای ملحوظ کند (کما اینکه در نوشته دوم اصلاحاتی در جهت نظر د.س، از جمله حذف اعلام همبستگی با نیروهای جبهه کردستان، بعمل آمد). در جلسه‌ای که همان قطعنامه اول پس از صحبت با د.س توسط رفیق مهتدی به رفقای مرکزیت و نمایندگی کومه‌له ارائه می‌شود (که قطعنامه دوم حاصل آنست) هیچ اشاره‌ای از طرف رفیق مهتدی به وجود اختلاف نظر، حتی فرعی، با دفتر سیاسی برسر این نوشته، تا چه رسد به وجود یک اشتباه "وخیم" در نظرات د.س، صورت نمی‌گیرد. در مورد موضوع اول، "گفته‌ام" دیگری وجود ندارد.

در مورد موضوع دوم سکوت حتی از این محسوس‌تر و تصویر مجاهدتها، با توجه به مدت زمان طولانی که فرصت بوده است، از این ناموجه‌تر است. رفیق مهتدی متأسفانه نتوانست در جلسه طولانی‌ای که پیش نویس مصاحبه اول من در باره بحران خلیج در آن به بحث گذاشته شده بود شرکت کند. روز بعد که برای امر دیگری به دفتر د.س آمده بودند، من از فرصت استفاده کردم و نوشته را به ایشان دادم و ملاحظات رفقای حاضر در جلسه روز قبل را نیز برایشان نقل کردم. ایشان هم نوشته را یکبار خواندند و در یک مکالمه کوتاه و چند دقیقه‌ای همین را اظهار کردند که بنظر ایشان اگر چه نه در رابطه با محکومیت اشغال کویت اما بهرحال باید به عراق هم برخورد شود. من هم به اختصار نظر متفاوت خودم را گفتم و ایشان رفتند. از آن تاریخ تا پاراگراف "فضای رادیو" در قطعنامه اول هیچ اشاره‌ای به اختلاف با دفتر سیاسی در برخورد به جنگ خلیج وجود ندارد. رفیق مهتدی مینویسد که از ابتدا در حال تهیه مقاله‌ای در این مورد بوده است که فرصت اتمام آن را نیافته است. و اضافه می‌کند که "متأسفانه فرصت این فراهم نشد که با طول و تفصیلی که می‌خواهم در این مورد اظهار نظر کنم". جای تعجب است. اولاً، چگونه پس از گذشت ماهها، فرصت اتمام یک نوشته در این مورد فراهم نشده است. بالاخره بوش و تاچر و عرفات و د.س و من و رفیق علی اوطنیش هم همین روزها و ماهها را برای نظر دادن راجع به موضوعاتی از این نوع، که گفتن ندارد بسیار مهم و حیاتی است، در اختیار داریم. این هم تنها کار هیچکدامان نیست. ثانیاً، حوالی انتهای جنگ رفیق نامه‌ای به دفتر سیاسی نوشتند مبنی بر اینکه در مورد بحران خلیج "نظر" دارند و آیا کمونیست نظرشان را منتشر خواهد کرد یا خیر. پاسخ دادیم که از اظهار نظر ایشان استقبال می‌کنیم و حتی اگر مورد تأیید ما نباشد بصورت ضمیمه کمونیست چاپش خواهیم کرد و همانروز برای یک مصاحبه با کمونیست در مورد بحران و جنگ خلیج سوالات کتبی‌ای برایشان فرستادیم. اگر ضمیمه کمونیست چاپ شده است من ندیده‌ام. ثالثاً، مدتی بعد در جلسه‌ای که من و کورش مدرسی برای تعریف ارگان سرپرستی امور کومه‌له در خارج کشور تشکیل دادیم و رفیق مهتدی و کادرهای مرکزی و اصلی کومه‌له در خارج در آن شرکت داشتند، پس از پایان امور اجرایی من رسماً خواستم رفقای حاضر اگر ملاحظاتی در مورد موضع دفتر سیاسی در مورد جنگ دارند با استفاده از فرصت گردهم آیی مطرح کنند. ابتدا سکوت سنگینی به جلسه حاکم شد که پس از اصرار مکرر من بالاخره رفقای ملاحظاتی را، در مورد همین مساله برخورد به عراق، گفتند و ما و رفقای دیگری از خود جلسه جوابی که به عقلمان می‌رسید به این ملاحظات دادیم. رفیق مهتدی در این بحث مطلقاً کلامی بر زبان نیاورد. آیا این فرصتی نبود که ایشان با طول و تفصیلی که مایل است در یک جمع

سطح بالای حزبی نظرش را بگوید؟ شاید نباشد، اما لاقبل باید این روشن شده باشد که کسی که علی‌رغم این امکانات و فرصتها و تقاضاها و اصرارها ملاحظاتهش را نگفته گذاشته است مجاز و موجه نیست که امروز اولین اعلام اختلاف خود را با این هیاهوی بیمورد درباره طفره رفتن طرف مقابل از بحث "حول موضوع مورد اختلاف" شروع کند. این متاسفانه یک صحنه سازی غیر اصولی بیش نیست.